



## بحران در سیاست جهان

*Micheal Bercher, Crisis in World Politics: Theory & Reality,  
Axford & NewYork, Perogramonpress, 1993, 676pp.*

### مقدمه

کتاب حاضر درصدد پاسخگویی به سؤالات ذیل است: بحران چیست؟ تفاوت آن با تعارض، اختلاف و حادثه چیست؟ شرایط لازم برای تعریف یک بحران بین‌المللی (سطح کلان) و بحران سیاست خارجی (سطح خرد) چیست؟ ابعاد اصلی بحران، پیدایش آن، رفتار بازیگر، فعالیت قدرت‌های بزرگ، مداخله سازمانهای بین‌المللی، نتیجه، شدت و آثار آن چگونه توضیح داده می‌شوند؟

دو راه برای مطالعه بحرانها در نظر گرفته شده است یک راه مطالعه موردی ذهنیات و تصمیمات یک دولت است که با به کارگیری سطح خرد انجام می‌گیرد. شیوه مورد استفاده در این زمینه تجربه‌گرایی ساختارمند است. راه دوم مطالعه در خصوص کلیه اطلاعات

مربوط به بحرانها در پهنه وسیع زمان و مکان است. در نتیجه یک روش تجربی در سطح وسیع انتخاب شد که تمام بحران‌های نظامی - امنیتی همه دولت‌ها در بین همه قاره‌ها، فرهنگ‌ها و نظام‌های سیاسی اقتصادی از ۱۹۲۹ تا ۱۹۷۹ را دربرمی‌گرفت. بعدها این گستره زمانی از آخر ۱۹۱۸ تا سال ۱۹۸۸ را شامل شد. استراتژی دوگانه فوق به طور آگاهانه و ترکیبی به شکل زیر مورد استفاده قرار گرفت: سطح تحلیل بازیگر و نظام، راههای استقرایی و قیاسی نظریه، شیوه‌های کمی و کیفی و در نتیجه مطالعه موردی عمیق و کلیه اطلاعات که همان مطالعه شواهد مربوط به تعداد کم یا زیادی از موضوعات مورد مطالعه می‌باشد. این امر در کلیه ساختار کتاب منعکس شده

و هدف اولیه آن تدوین نظریه بحران و رفتار در بحران و تدوین یک نظریه معتبر در این باب است. هم چنین استفاده از تجربیات تاریخی برای افزایش و اثربخشی بر مدیریت بحران در آینده با هدف قادر ساختن تصمیم‌گیران برای مقابله بهتر با بحرانها، کاهش احتمال کشیده شدن بحران به یک جنگ تمام عیار و در صورت وقوع جنگ، تسریع در خاتمه آن با کمترین زیان احتمالی بر نظام و بازیگران از دیگر اهداف این کتاب است. در تفسیری وسیعتر هدف این کتاب بکارگیری درسهای تاریخ جهت تقویت صلح بین‌المللی است. این کتاب دارای یک مقدمه، هفت فصل و نتیجه‌گیری است.

## الف. مفاهیم و الگوها

در فصل اول تحت عنوان مفاهیم و الگوها، مفاهیم اصلی کتاب شامل بحران، منازعه و جنگ تعریف و روابط میان آنها را مورد بحث قرار می‌گیرد، سپس ادبیات موجود در این زمینه بررسی شده و دو الگوی کلی شامل بحران بین‌المللی و بحران سیاست خارجی مطرح می‌شود.

مفاهیمی چون بحران، منازعه و جنگ چگونه تبیین می‌شوند؟ چرا باید بحرانهای قرن بیستم را توصیف و تبیین کرد؟ یک دلیل آن است که بحران در ادبیات سیاسی میان ملتها وسیع‌ترین کاربرد را دارد. بحران یک واژه جهانی برای توصیف از هم گسیختگی و بی‌نظمی در دنیاست. دلیل دیگر آن است که بحران با منازعه و جنگ که برای درک سیاست جهان فهم آنها ضروری است، ارتباط تنگاتنگ دارد.

بحران را می‌توان به این صورت تعریف کرد: «دگرگونی یا افزایش شدت کنش‌های شکننده بین دو یا چند دولت و تشدید احتمال مخاصمات نظامی که روابط آنها را بی‌ثبات کرده و ساختار نظام بین‌المللی را به چالش فرامی‌خواند.»

یک بیانیه تهدیدآمیز شفاهی یا کتبی، یک عمل سیاسی همچون قطع روابط دیپلماتیک، یک عمل اقتصادی مثل تحریم اقتصادی، یک عمل نظامی آرام همچون نقل و انتقال نیروها یا یک عمل خشونت‌آمیز غیرمستقیم علیه یک دولت و یا یک حمله نظامی مستقیم می‌تواند به عنوان نمونه‌هایی از تغییر یا تشدید کنش‌های شکننده به شمار رود.

هم‌چنین یک بحران بین‌المللی ممکن است با یک چالش داخلی به طور لفظی یا فیزیکی علیه یک رژیم و یا با عملی برای تقویت موضع آنهایی که در قدرت هستند آغاز شود. چنین بحرانی ممکن است از یک تغییر تکنولوژیکی یا ژئوپلیتیکی در محیط ناشی شود که توانایی یک دولت را برای حفاظت از منافع حیاتی خود تضعیف می‌کند.

یک بحران بین‌المللی می‌تواند یک بحران در سیاست خارجی یک یا چند کشور باشد یا با چنین بحران‌هایی آغاز شود. جرقه چنین بحرانی، حالت ادراکی دارد. به طور دقیق‌تر می‌توان گفت این امر از سه تصور به هم پیوسته سرچشمه می‌گیرد. این تصورات که به وسیله یک عامل خصومت‌آمیز، یک واقعه اختلاف‌انگیز یا یک تغییر محیطی به وجود می‌آید عبارتند از:

- ۱- تهدید یک یا چند ارزش اساسی
- ۲- زمان محدود برای پاسخ ۳- احتمال زیاد درگیری در مخاصمات نظامی.

در مجموع یک بحران در سیاست خارجی حاصل احساس تصمیم‌گیرندگان در عالی‌ترین سطح مبنی بر وجود فشار یا فشارهایی است که منشأ خارجی دارند. چنین بحرانی

می‌تواند مقدمه شروع یک بحران بین‌المللی به شمار رود. به طور خلاصه احساس تهدید و رفتار، سطح دولت و سطح نظام کنشگر متقابل، بحران در سیاست خارجی و بحران بین‌المللی به طور اجتناب‌ناپذیری با هم ارتباط دارند. بنابراین پدیده بحران را می‌توان و باید در سطح تحلیل بحران در سیاست خارجی و بحران بین‌المللی مورد بررسی قرار داد.

سابقه تاریخی منازعه به سرگذشت بشر بازمی‌گردد ولی تحقیق جدی در این مورد تنها از اواسط قرن نوزدهم به این سو به ویژه توسط مارکس، انگلس، داروینیست‌های اجتماعی مثل اسپنسر و داروین و نظریه‌پردازان قدرت و نفوذ، مانند موسکا، میخلز، پارتو و سورل آغاز شد. در قرن بیستم تحقیقات مستمر مزبور ادبیات وسیعی را در باب منازعه به وجود آورده است. یکی از دقیق‌ترین تعاریف در این باره از «گر» است: «پدیده‌های منازعه و کنش‌های قهرآمیز مجموعه‌های متعارض به صورت آشکار است.» منازعه بین‌المللی با بحران بین‌المللی هر چند به طور تنگاتنگی ارتباط دارند اما مترادف هم نیستند. در اصل هر بحرانی یک

«وضعیت منازعه» بین دو یا چند طرف  
مخاصمه را منعکس می‌کند، اما هر  
منازعه‌ای در قالب بحران منعکس  
نمی‌شود.

وقوع جنگ، فشار روانی را تشدید  
می‌کند و این امر عواقب مهمی برای  
تصمیم‌گیری در پی دارد. جنگ یکی از  
روشهای متعدد مدیریت بحران است  
دیگر روشها عبارتند از: لفظی، سیاسی،  
اقتصادی، نظامی غیرخشونت‌آمیز و  
خشونت‌آمیز. جنگ در این چشم‌انداز  
موید نظرپرداز کلاسیک کلازویتز است  
که جنگ را ادامه بحران بوسیله سایر  
ابزارها می‌داندست. جنگ بحران را  
حذف نمی‌کند و یا جایگزین آن  
نمی‌شود. حتی بحران بوسیله جنگ  
برجسته می‌شود.

نویسنده کتاب حاضر، بعد از شرح  
مختصری از مفاهیم بحران، منازعه و  
جنگ به تشریح ادبیات موجود در این  
زمینه می‌پردازد. بر این اساس راههای  
متعددی برای طبقه‌بندی کارهایی که در  
خصوص بحران در سیاست جهان انجام  
شده وجود دارد. یکی از این راهها  
طبقه‌بندی بر اساس موضوع است که در  
آن پیش‌بینی بحران، فرایند تصمیم‌گیری

و مدیریت بحران توسط بازیگران لحاظ  
شده است.

شیوه دیگر برای طبقه‌بندی ادبیات  
موجود، گروه‌بندی آنها بر اساس  
الگوهای تصمیم‌گیری در بحران است  
که پیشگام این قلمرو، «مکتب  
استنفورد» بود. مطالعات استنفورد بر  
ادراک معطوف به تهدید، فشار زمان،  
ارتباطات، اطلاعات بیش از حد و  
بررسی جایگزین‌ها تاکید داشت. در این  
راستا به الگوهای فشار روانی فردی،  
شناختی یا ادراکی، فرایند سازمانی یا  
سایبرنتیک، محاسبه هزینه یا بازیگر  
خردمند آلیسون، تهدیدشدید - زمان کوتاه  
و غافلگیری هرمان می‌توان اشاره نمود.  
تئوری «بحران» که در این کتاب  
ارائه شده بر مبنای چها حوزه و مرحله  
خواهد بود: پیدایش، گسترش، کاهش و  
تاثیر. طی فصل‌های دوم تا پنجم با  
ساختاری تقریباً مشابه بر چهار مرحله  
فوق‌الذکر متمرکز شده است. نیمه اول  
هر یک از این فصل‌ها به طرح سوالات  
تحقیق، مشخص کردن یک مرحله از  
الگو، استنتاج فرضیات و آزمون آنها بر  
مبنای اطلاعات بدست آمده از ۳۹۰۰  
بحران بین‌المللی (سطح نظام / بین  
بازیگری) و ۸۲۰ بحران سیاسی

خارجی (سطح بازیگر) می‌پردازند. نیمه دوم هر یک از فصلها نیز خلاصه‌ای تحلیلی از نوع رفتار دولتها در ۱۰ بحران مهم و قابل توجه در حوزه مسائل امنیتی از پایان جنگ جهانی اول ارائه می‌دهد. این بحرانها عبارتند از: رفتار آمریکا در تقسیم برلین، شوروی در بحران پراگ، انگلستان در بحران مونیخ، آلمان در بحران استالینگراد، اسرائیل در اکتبر (یوم کیپور)، سوریه در اولین جنگ داخلی لبنان در سالهای ۷۶ - ۱۹۷۵، هند در بحران و جنگ مرزی با چین، مجارستان در قیام مجارستان، زامبیا در بحرن رودزیا و آرژانتین در بحران جزایر فالکلند - مالویناس. سپس یافته‌های مربوط به هر یک از این موارد در مراحل ذیل مقایسه می‌شوند: خواص نظام، سطح ساختار، خواص بین بازیگری، وضعیت منازعه، نسبت دو رژیم، فاصله جغرافیایی، قابلیت، خواص بازیگر، نوع و عمل رژیم، اندازه سرزمین، بی‌ثباتی، خواص وضعیتی، واکنش، تعداد بازیگران، عدم تجانس، فنون مدیریت، خشونت و ...

آنگاه بر طبق استراتژی دو بعدی، کلیه اطلاعات (از نظر گستره) و نیز اطلاعات مطالعات موردی (از نظر

عمق) برای ارزیابی چهارده فرضیه که به طور قیاسی استخراج شده‌اند، در مورد چهار مرحله بحران مورد استفاده قرار می‌گیرند.

### ب. مرحله پیدایش

مرحله پیدایش منطبق با دوره ماقبل یک بحران سیاست خارجی است که در آن قاعده غیربحرانی عدم تهدید یا تهدید اندک معطوف به ارزش ادراک شده توسط تصمیم‌گیران یک دولت به سوی ادراک تهدید اندک (یا بالاتر) سوق می‌کند که در واقع تهدید فزاینده از سوی یک دشمن می‌باشد و همراه با آن فشار روانی فزاینده اندک (یا بالاتر) به وجود می‌آید. در واقع این مرحله با یک دگرگونی در شدت شکنندگی روابط میان دو یا چند دولت و با ادراک تهدید توسط حداقل یکی از آنها مشخص می‌شود، برای مثال صدور یک بیانیه تهدیدآمیز از سوی کشور الف در خصوص اینکه هرگاه کشور ب درخواست کشور الف را نپذیرد مورد حمله قرار خواهد گرفت.

در تعریف عملیاتی، مرحله پیدایش با وقوع یک بحران مشخص می‌شود، که عبارت از افزایش شدید و بیش از حد کنش متقابل شکننده است. وقوع

در مقابل عدم وقوع قرار می‌گیرد و عبارت از کنش متقابلی است که ممکن است ناظر بر هم‌کاری و یا خصومت‌آمیز ولی دارای حداقل شکنندگی باشد. پیدایش یک بحران بین‌المللی مستلزم وجود حداقل دو کشور دشمن است که یکی یا هر دوی آنها تهدید را درک کرده و با روشی به این تهدید پاسخ دهند که شکنندگی بیشتری را ایجاد می‌کند. دگرگونی‌های خطرناک، بیشتر در یک منطقه محدود اتفاق می‌افتد، و وقوع این‌گونه دگرگونی‌ها در سطح نظام بین‌المللی و یا میان چند دولت بسیار نادر است.

### ج. مرحله گسترش

مرحله گسترش بر شکنندگی خیلی شدیدتر از مرحله پیدایش و افزایش احتمال مخاصمات دلالت دارد. در سطح بازیگر، مرحله گسترش مانند دوران یک بحران در سیاست خارجی است که در آن فشار زمان و ازدیاد احتمال جنگ به تهدید اضافه می‌شود. مرحله گسترش و دوره بحران بالاترین حد وخامت اوضاع و حداکثر فشار روانی را نشان می‌دهند. مرحله گسترش ممکن است با یک دگرگونی از عدم خشونت به سوی خشونت، به عنوان

فن اولیه مدیریت بحران مشخص شود، چرا که یک بحران تمام عیار ممکن است خشونت‌آمیز نباشد. با این حال اگر خشونت در مرحله پیدایش اتفاق بیفتد، شاخص گسترش، تغییر خشونت از سطح پایین به سطح بالا خواهد بود. که به صورت حرکت از برخوردهای کم اهمیت به سوی برخوردهای جدی و یا جنگ بین متخاصمین صورت خواهد گرفت. فرایند گسترش چه با خشونت و چه بدون آن، معمولاً به جایی می‌انجامد که ایجاد تبعاتی برای متخاصمین و همین‌طور برای یک یا چند عنصر، دگرگونی نظام، اجتناب ناپذیر است.

### د. مرحله کاهش

این مرحله به لحاظ مفهومی نقطه مقابل گسترش است. از این رو فروکش کردن یک بحران با فرایند «مارپیچ» بحران مقایسه می‌شود. در سطح کلان این مرحله با کاهش کنشهای خصومت‌آمیز مشخص می‌شود که به سازش و خاتمه بحران منجر خواهد شد. هم‌چنین این مرحله دلالت بر دوره پایان بحران داشته و با کاهش فشار روانی و آورده بر تصمیم‌گیرنده یا تصمیم‌گیران مشخص می‌شود. هرچند

خطر بحرانه‌ها از کنترل خارج است اما کشیده شدن بحرانه‌ها به جنگ توجه پژوهشگران و مقامات را به خود جلب کرده و به همین لحاظ کنترل کنش‌های خصومت‌آمیز که اغلب خشونت بار هستند، به سوی شرایط غیربحرانی، هدف بسیاری از کشورها و همین‌طور سازمانهای منطقه‌ای و جهانی است.

### هـ مرحله تاثیر

این مرحله در پی خاتمه بحران و در واقع عواقب بعدی آن است. همتای این مرحله در سطح تحلیل بازیگر، دوره بعد از بحران است. به علاوه در کاربرد معمولی، این مرحله، نشان دهنده عواقب یک بحران است و محتوای مرحله چهارم را تشکیل می‌دهد. مفهوم خاص آن، از چارچوبی آشکار خواهد شد که در آن «تاثیر» در متن بکار برده می‌شود. تمام بحرانه‌ها آثاری در یک یا چند سطح دارند. برای متخصصین، برای رابطه آنها و برای یک یا چند نظام بین‌المللی. تاثیر با گستره دگرگونی در روابط متخصصین و عناصر محوری یک نظام تعریف عملیاتی می‌شود. در این حوزه، وظیفه موجود، توصیف و تبیین بر جای مانده‌ها یا میراث بحرانه‌هاست.

در بحران موشکی کوبا، مرحله گسترش، در شانزدهم اکتبر ۱۹۶۲، زمانی که سازمان سیا تصاویر استقرار موشکهای شوروی در کوبا را به رئیس جمهوری وقت «کندی» تقدیم کرد، جرقه بحران زده شد. با این حال، اتحاد شوروی و کوبا به درک تهدید اندک، عدم فشار زمان یا پایین بودن آن، عدم وقوع جنگ یا احتمال اندک آن، تا شش روز ادامه دادند. عامل تسریع در حرکت از دوره ماقبل بحران به دوره بحران، بیانیه رسمی آمریکا در خصوص اجرای طرح «قرنطینه» علیه تمام کشتی‌ها در مسیر منتهی به کوبا بود. دوره بحران برای هر دو کشور آمریکا و شوروی و مرحله گسترش بحران موشکی کوبا، با توافق دو کشور در بیست و هشتم اکتبر به پایان رسید و با این توافق، بحران وارد مرحله کاهش خود شد. با این حال، کوبا، بازیگر سوم بحران هم‌چنان در سطح بالای فشار روانی دوره بحران قرار داشت. تا اینکه در بیستم نوامبر در برابر فشار مشترک یک ابرقدرت و سازمان ملل تسلیم شد و با برجیدن موشک‌های شوروی موافقت کرد. با این عمل بحران موشکی کوبا برای تمام سه بازیگر بحران و یک جهان وحشت

زده پایان یافت. از این‌رو برای جهان پایان وحشت بود که کاهش بحران راهی را برای تعادل با ثبات میان دو بر قدرت هموار کرد.

## و. الگوی جامع بحران

الگوی جامع بحران، وسیله‌ای برای توضیح بحرانها میان دولت‌هاست. این الگو بر استدلالهای الگوی اول (بحران بین‌المللی) و دوم (بحران سیاست خارجی) استوار است و آنها را در الگوی سوم (بحران بین دولتها) ادغام می‌کند. به علاوه، تلاش الگوی جامع این است که الگوهای مربوط به مراحل بحران (آغاز، گسترش، کاهش و تاثیر) را به شیوه الگوی کل‌گرا گردهم آورد. در عین حال، اطلاعات عینی آن برگرفته از یافته‌های فرضیات مدل‌های بحران است. این یافته‌ها از دو شیوه جمع‌آوری اطلاعات یعنی مجموع اطلاعات کمی در مورد بحرانهای هفتاد سال مورد مطالعه (۸۸ - ۱۹۱۸) و اطلاعات کیفی ده مطالعه موردی برگرفته شده‌اند.

دو مفهوم بحران بین‌المللی و بحران سیاست خارجی فرایندهای پویا در طی زمان را مشخص می‌نمایند. ویژگی‌های اصلی هر دوره و مرحله، فشارهای

موجود و تغییرات به عمل آمده در جریانات با استفاده از متغیرهای سیستم، سطح بازیگران و بین‌بازیگری توضیح داده می‌شوند. این متغیرها با برداشت تصمیم‌گیران از تهدید ارزشها، محدودیت زمانی و امکان جنگ عملی می‌شوند. این دو سطح تحلیل هر چند از هم متمایز هستند ولی با هم مرتبطند.

## ض. بحران خلیج فارس (۹۱-۱۹۹۰)

برای ارزیابی قدرت تبیین الگوی جامع بحران، بحران خلیج فارس (۹۱-۱۹۹۰) می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. ریشه این بحران را باید در فروپاشی امپراطوری عثمانی بعد از جنگ جهانی اول، تاسیس عراق در ۱۹۲۰، استعمار درازمدت انگلیس بر کویت و اعطای استقلال به این کشور در زمان امیرالصباح توسط انگلیس (۱۹۶۱) جستجو کرد. با این وجود، درخواست صدام حسین مبنی بر گسترش مرزهای عراق در ۱۹۹۰ در مقابل همسایه کوچک بسیار ثروتمند اما از نظر نظامی ضعیف موجب شد که باعث تهدید کویت، ایجاد یک بحران بین‌المللی بین دو کشور و بروز یک بحران جهانی شود. طبق الگوی جامع بحران، یک بحران بین‌دولتی زمانی آغاز می‌شود که اولین



بازیگر بحران احساس کند ارزشهایش مورد تهدید قرار گرفته، بدون اینکه احتمال وقوع جنگ افزایش یافته یا زمان لازم برای پاسخ به بحران محدود باشد. کویت اولین بازیگر بحران خلیج فارس بود که در هفدهم ژوئیه ۱۹۹۰ با تهدید بیش از حد معمول علیه ارزشهای خود مواجه شد. در این تاریخ صدام حسین، دولتهای کویت و امارات متحده عربی را برای چندمین بار به دلیل افزایش سهمیه‌های تولید نفت اوپک مورد سرزنش قرار داد زیرا به عقیده او آنها از این طریق باعث کاهش تولید نفت و درآمدهای نفتی عراق شده و آن را به چهارده میلیارد دلار تنزیل داده‌اند؛ بالاتر از این دولت عراق تهدید کرد که اگر آنها کویت و امارات تولید مازاد بر سهمیه خود را قطع نکنند، چاره‌ای جز توسل به زور نخواهد داشت. این بحران با حمله عراق در ساعت دو بامداد روز دوم اگوست به کویت گسترش یافت. تانکهای عراقی در عرض شش ساعت این کشور را به تصرف درآوردند. مرحله کاهش بحران با پذیرفتن شرایط قطعنامه ۶۸۶ شورای امنیت توسط عراق در تاریخ سوم مارس ۱۹۹۱ و تعهد به رعایت کامل

این مقررات در اسرع وقت به طور صادقانه و عینی، شروع شد. در حرکتی دیگر رادیو بغداد در پنجم مارس اعلام کرد شورای فرماندهی انقلابی، ضمن ابطال الحاق کویت به عراق تمام احکام و قوانین مربوط به کویت را که بعد از دوم اگوست ۱۹۹۰ وضع شده بود کان لم یکن اعلام نمود و دارایی‌های توقیف شده کویت را نیز آزاد می‌کند.

این بحران از نظر شدت، حداکثر امتیاز (ده امتیاز) را داراست. زیرا در کنار جنگ جهانی دوم یکی از دو بحران شدید نظامی بین‌الملل بعد از ۱۹۱۸ است. تاثیر بحران را نیز باید در تغییر در توزیع قدرت بازیگران، شکل‌گیری اتحادها و قواعد بازی ملاحظه که این بحران در تعدادی از این موارد به طور ملموس و در بقیه بطور غیرملموس منجر به تغییراتی شد.

### نتیجه‌گیری

در این قسمت یافته‌های اصلی مربوط به مفاهیم و الگوها و مراحل مربوط به هر کدام از آن دوره‌ها شامل ماقبل بحران، دوره پایان بحران و دوره بعد از بحران را در سطح بازیگر بیان می‌شود. هم‌چنین سعی می‌شود

اطلاعات مربوط به بحران با آزمون نوزده فرضیه که در دیگر مطالعات مربوط به بحران تدوین شده‌اند، افزایش یابد.

بحران بین دولتی منبع خاص اختلاف سیاست میان ملت‌هاست. در عین حال این نوع بحران با مناقشه و جنگ نیز در ارتباط است که همگی جزئی از یک مناقشه بین‌المللی را تشکیل می‌دهند. از نظر فضای حاکم بر مناقشه، جنگ بخشی از یک بحران است. یعنی همه جنگها در ذیل بحرانها قرار می‌گیرند، اما همه بحرانها در برگزیده خشونت نیستند و در عین حال جنگ تمام عیار وضعیت خاصی دارد. در حقیقت نیمی از بحرانها بدون جنگ سپری می‌شوند.

یک بحران در سطح دولت آغاز می‌شود. آغازگر بحران اغلب عامل خارجی است که به شکل عمل خصمانه لفظی، سیاسی، اقتصادی و نظامی آرام یا توام با خشونت به طور مستقیم یا غیرمستقیم به بروز بحران دامن می‌زند. محرک بحران ممکن است یک چالش درونی علیه رژیم به صورت لفظی یا عملی باشد و حتی یک اتفاق نامعلوم یا تغییر محیطی.

تمام بحرانها به دوره بلوغ نمی‌رسند یعنی به یک بحران بین‌المللی تمام عیار تبدیل نمی‌شوند. بعضی از بحرانها عقیم مانده و به آخر نمی‌رسند، بخصوص اگر تصمیم‌گیران طرف مقابل تهدید را کم‌ارزش تلقی نموده و پاسخ ندهند.

کاهش بحران ممکن است در کوتاه مدت یا درازمدت و از طریق چانه‌زنی مستقیم یا مداخله طرف ثالث یا اعمال قدرت نظامی برتر یکی از طرفین درگیر صورت گیرد. هم چنین ده بحران مورد مطالعه در این کتاب تنوع زیادی را در ارتباط با چهار معیار تاثیر نشان می‌دهد. مدل جامع بحران اساساً و تماماً مدل همه جانبه است که بحران را در دو بخش مرتبط به هم از یک واقعیت می‌داند. این موارد در مدل یک و دو (بحران بین‌المللی و بحران سیاست خارجی) هستند که در مدل سه (بحران بین‌دولتی) گردهم آمده‌اند و در نهایت در مدل چهار بحران مورد ملاحظه قرار گرفته‌اند.

بحرانها را از ابعاد گوناگونی می‌توان مقایسه کرد. این مقایسه‌ها می‌تواند به لحاظ بین‌المللی و سیاست خارجی، مراحل و دوره‌ها، تصورات و رفتارها، تکامل بحران از زمان وقوع تا ختم

بحران، تاثیر و شدت صورت پذیرد. بطور خلاصه فرایند نظامی شدن بحرانها و خروج از بحرانها در سیاست جهان از یک منطق درونی برخوردار است. سازمان ملل ممکن است نتواند از بحرانهای آینده جلوگیری کند، اما می تواند بحرانها را عقیم کند. هرچند که نظارت دائمی، اولین گام برای جلوگیری از توسل به خشونت و بحران است، اما این امر باید از طریق برنامه دقیق و ماهرانه مجازاتهای منفی و مثبت از طرف قدرتهای بزرگ و سازمانهای بین المللی شامل آژانسهای تخصصی مثل بانک جهانی و صندوق بین المللی پول انجام گیرد.

هدف اصلی مدیریت بحران بین المللی باید سوق دادن مناقشه از خشونت به چانه زنی مسالمت آمیز و از مذاکره به سوی توافق قابل قبول برای طرفین باشد، نتیجه ای که برای همه رضایت بخش است اگرچه ایده آل نیست. کتاب بحران در سیاست جهان توسط معاونت پژوهشی پژوهشکده مطالعات راهبردی و به همت آقای میرفردین قریشی در دست ترجمه است و در آینده نزدیک در دسترس خوانندگان و علاقه مندان قرار خواهد گرفت.

سلمان رضوی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی